

یادداشت

سیاست بریتانیایی یک بام و دو هوا

اردشیر زارعی قنوتی

ارانه لایحه بودجه اضطراری بریتانیا توسط «جرج آژسورن» وزیر دارایی دولت ائتلافی به مجلس عوام این کشور، گمانه‌زنی‌هایی را درخصوص کارایی و تاثیر آن بر اقتصاد در حال رکود سرزمین انگلوساکسون‌ها ایجاد کرده است.

از آنجا که دولت ائتلافی «دیوید کامرون» نخست‌وزیر محافظه‌کار بریتانیا در یک شراکت شتر گاوپلنگی با حزب تمایل به چپ لیبرال دموکرات قرار گرفته است، به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری در حیطه اقتصاد نیز ملغمه‌ای از تمایلات متناقض دو حزب ائتلافی بوده است. ظاهراً هر دو شریک ائتلافی برای بقای دولت کنونی و تدوین سیاست‌های اقتصادی در ساختار بودجه به سمت توافق بر سر حداقل‌ها رضایت داده‌اند. به همین دلیل ساختار بودجه ارائه‌شده بیش از آنکه از انسجام در حوزه سیاست‌های اقتصادی بهره برد، مسیر یک توافق و تعامل سیاسی بین دو گرایش بعضاً متفاوت حزبی در ساخت قدرت را مدنظر داشته است.

در طول چند ماه گذشته با بروز بحران اقتصادی در یونان و تاثیر آن بر اقتصادهای منطقه‌ای، مشخص شد زیر پوست اقتصادهای قدرتمند اروپایی نیز دمل‌های چرکین کسری بودجه سنگین در شرایط رکود یا حداقل عدم رشد مطلوب اقتصادی وجود داشته و اینک سر باز کرده است. اتفاقاً بریتانیا در بین سه قدرت برتر اروپایی بر اساس آمار و مستندات موجود، تنها کشوری است که بعد از فروکش کردن بحران جهانی اقتصاد در طول دو سال گذشته، هنوز نتوانسته از شرایط رکود خارج شود. در شرایطی که دولت‌های برلین و پاریس که وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به لندن داشته‌اند طی ماه‌های اخیر به اجبار برای برون‌رفت از سایه کسری بودجه، سیاست‌های ریاضتی و تزریق پول به اقتصاد آسیب‌پذیر خود را در پیش گرفته‌اند، کاملاً معلوم است که این مشکل برای ضلع سوم الزام دوجندانی را ایجاد می‌کند. بنا بر ارقام و آمار موجود بریتانیا از کسری بودجه ۱۶۰ میلیارد پوندی رنج می‌برد و در آستانه تشکیل دولت ائتلافی نیز «لیام بیرن» وزیر مشاور در امور خزانه‌داری در دولت «گوردون براون» به همتای خود در دولت جدید «دیوید لوژ» اولین مقام مستعفی دولت کامرون نوشته بود: «وزیر مشاور خزانه‌داری محترم، متأسفم که بگویم هیچ پولی در خزانه نمانده است».

آقای آژیورن در اولین نطق خود در زمان تصدی‌گری پست وزارت دارایی گفته بود دولت ائتلافی دفتر «مسئولیت بودجه» را تاسیس خواهد کرد و از دستکاری در ارانه آمار و ارقام به شدت جلوگیری می‌کند. این در حالی بود که همزمان در اولین روزهای تشکیل دولت جدید «الستر دارلینگ» وزیر دارایی سابق از حزب کارگر پیش‌بینی کرده بود که راحل‌ل دولت ائتلافی ممکن است موجب بن‌بست در اقتصاد کشور شود.

لایحه بودجه اضطراری دولت دیوید کامرون نتیجه یک معادله پیچیده ریاضی است که از جمع و تفریق بسته‌های پیشنهادی حزب محافظه‌کار و حزب لیبرال دموکرات به عنوان شرکای دولت ائتلافی به دست آمده است. در حوزه اقتصاد به عنوان یک علم، چنین توافقات و معاملات صرفاً سیاسی، اعتبار چندانی در جهان واقعیت‌ا نخواهد داشت و به همین دلیل این بودجه پیشنهادی را می‌توان تجمع تناقضات، برای برپا کردن زورق از بن‌بست اقتصادی که به جهت اجتناب از شکستگی سیاسی به حساب آورد، از سوی دو حزب ائتلافی در آستانه انتخابات پارلمانی ششم ماه مه سال جاری، خود می‌تواند گویای وضعیت پارادوکسیکال کنونی برای ارائه این لایحه بودجه اضطراری باشد. حزب محافظه‌کار نسخه اقتصادی برای برون‌رفت از کسری بودجه کشور را حرکت سریع در کاهش ۱۸ میلیارد پوندی در هزینه‌های عمومی، افزودن یک درصد به حق بیمه تأمین اجتماعی و کاهش مالیاتی مطرح می‌کرد. در صورتی که هم‌اینک در بودجه اضطراری کاهش شش میلیارد پوندی، افزایش مالیات بر ارزش افزوده و کاستن از مالیات افراد کم‌درآمد، در کنار کاهش هزینه‌های دولتی در زمینه کمک هزینه اولاد و پرداخت سوسپید معلولان به تشخیص استحقاق آنان پیش‌بینی شده است. حزب لیبرال دموکرات به رهبری «تیک کلگ» نیز در تبلیغات انتخاباتی خود با محاسبه ارقام و آمار منسجم در خصوص افزایش مالیات بر درآمد‌های بالا، تعیین ضرب مالیاتی بر مستغلاتی که ارزش آن بیش از حد متوسط باشد، جلوگیری از قرار مالیاتی شرکت‌های بزرگ و مالیات بر معاملات ثانوی در کنار وعده به طبقات فرودست مبنی بر عدم حذف ردیف‌های بودج‌های مربوط به بهداشت، آموزش و تأمین اجتماعی وارد رقابت‌های انتخاباتی شده بود. هرچند در لایحه بودجه اضطراری به نظر می‌رسد بیشتر خواست لیبرال دموکرات‌ها لحاظ شده باشد ولی آنان نیز با عدول از وعده‌های پیشین خود، پذیرفته‌اند که پرداخت نقدی کمک هزینه حق اولاد و سوسپید به معلولان که شامل طبقات کارگری و کم‌درآمد می‌شود تا حدود زیادی مشمول سیاست‌های انقباض مالی در بودجه پیشنهادی شود.

جدا از تناقضات موجود در ردیف‌های بودجه اضطراری بسیاری از کارشناسان معتقدند به جهت وضعیت رکود اقتصادی در بریتانیا، سیاست انقباض پولی می‌تواند مانع از رونق در بخش اقتصاد شده و به تبع آن کسری بودجه به لحاظ ساختاری سیر فروز تری را طی کند. تجربه نسبتاً موفق تزریق پولی به اقتصاد در وضعیت رکود که طی بحران جهانی اقتصاد در چند سال گذشته به اثبات رسید، در تدوین بودجه اضطراری دولت ائتلافی جای خود را به انقباض مالی داده است.

به همین دلیل بلافاصله پس از ارائه این بسته اقتصادی «هریت هارمن» کفیل رهبری حزب کار گر، دولت ائتلافی را متهم کرد که در تدوین بودجه دقت کافی نسبت به «توازن لازم» درخصوص کاهش از کسری بودجه و حمایت از رشد اقتصادی را به طور همزمان مبدول نکرده است. ارائه اولین سند مشترک اقتصادی در دولت ائتلافی کامرون هرچند شاید شرکای راست و چپ محافظه‌کار - لیبرال دموکرات‌ها- را راضی کرده باشد ولی بسیار بعید به نظر می‌رسد که انتظار ما را در کشور ما این بتواند گرهی از مشکلات اقتصادی بریتانیای کبیر بگشاید.

«ماوریسو کاستیلیو بنا» سر بزرگش را تیغ انداخته

است و با دو دست بیل را گرفته و زمین را شخم می‌زند. این نجار ۴۸ساله همواره

عکسی را همراه خود دارد که مرد

مغروری را در پالتوپوست نشان

می‌دهد. او مدت‌هاست که این

برادر لاغراندانش یعنی «جانم»

را ندیده است. جانم ۴۵ ساله دهم

اگوست ۲۰۰۸ در محله فقیرنشین آلاموس در نزدیکی فرودگاه بوگوتا ناپدید شد و ماوریسو به مدت دو ماه همه بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها را برای یافتن برادر زیر پا گذاشت اما ظاهراً جانم هم سرنوشتی چون صدها نفر دیگر دارد.

سرنوشت افرادی چون جانم

بر شاهانه‌های «الوارو اوربیه»

رئیس‌جمهور (سابق) و کاندیدای

انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری

یعنی «خوان مانوئل سانتوس»

سنگینی می‌کند. اوربیه و کاندیدای

مورد حمایتش یعنی سانتوس نماد

سیاستی هستند که آشکارا درصدد

مبارزه با جناح‌ها و خلافتکاری‌های

تورویست‌های چپگرا و در عین

حاصل حمایت از کماندوهای مرگ

راستگرا است. جانم کاستیلو در

دهم اگوست ۲۰۰۸ به دستور تیپ

پانزدهم ارتش رده‌شده شد. رایبندگان

او را به یکی از ساختمان‌های دولتی منتقل کردند و از فاصله سه متری از پشت مورد هدف قرار دادند و سپس جسدش را به یکی از گورهای دسته‌جمعی انداختند و نام وی را در لیست «تورویست مواد مخدر» ثبت کردند. قاتلان قبل از آن «عدم بی‌محاکمه» اعضای زیر بغل قربانی را نیز رده‌شده بودند. در گزارش رسمی این قتل آمده است: «این تورویست قبلاً به دلیل سابقه ارتدنگی فلج شده بود». جانم هم مانند هزاران نفر دیگر در خیابان‌های بوگوتا پرسه می‌زد، پرتو می‌کشید و آب‌نبات می‌فروخت و گاه با ماموران پلیس درگیر می‌شد. او هم مانند بسیاری دیگر از هموطنانش یعنی همان ۶۰

صد از مردمی که آلوده کوکائین هستند، در دوران خدمت جرابی به مواد مخدر معتاد شده بود. برادرش با اطمینان می‌گوید: «ماموران پلیس در قبال دریافت پول نام و نشانی این قربانیان را در اختیار ارتش می‌گذارند» قربانیان عملیات‌های ارتش امروزه در کلمبیا در زمره «جان‌باختگان سهوی» طبقه‌بندی می‌شوند. از قرار معلوم تعداد این قربانیان بالغ بر دو هزار نفر می‌شود که البته تنها نام ۱۲۰۰ تن از آنان ثبت شده است. اوربیه شخصاً بارها از ارتش خواسته بود در «جنگ علیه ترور» نتایج بهتر و کارآمدی بیشتری داشته باشد و همه محبوبیت خود را نیز موهون همین‌جنگ بود. دولت او در این راه یک سیستم پاداش مرگبار برقرار کرد به این صورت که برای کشتن هر نفر از اعضای فارک یا شورشیان «ای‌ال‌ان» پاداشی در نظر گرفته شد: برای سر شورشیان عادی ۱۲۰۰ پیرو و برای اعضای رده‌های بالاتر پاداشی به مراتب بیشتر. کار به جایی رسید که فرمانده (مستعفی) ارتش یعنی «ماريو موتویو» آشکارا از آرزوی خود مبنی بر «استادبومی‌های پر از جنازه» می‌گفت.

اما عاملان و آمران این قتل‌ها حتی در دوران ریاست‌جمهوری آینده یعنی سانتوس هم هراسی از دادگاه و مجازات نخواهند داشت. همان طور که آلوارو اوربیه از دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات جنگی هراسانی به دل راه نمی‌داد. سانتوس رئیس‌جمهور منتخب که در دوران وزارت دفاع او وحشت بر جامعه کلمبیا بیش از پیش حاکم شد، پیرویش در انتخابات اخیر را مدیون ارتش و شخص اوربیه است و به همین خاطر از وی به عنوان «بهترین» رئیس‌جمهور تاریخ کلمبیا» یاد می‌کند.

و البته بسیاری بر همین باور هستند. هنگامی که اوربیه در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار به ریاست‌جمهوری انتخاب شد، کلمبیا یا همان کشور مواد مخدر در حکم کشوری فروپاشیده بود و این اوربیه بود که این کشور پر از خشونت را که با ۴۴ میلیون جمعیت دومین کشور پرجمعیت (بعد از برزیل) آمریکای جنوبی به حساب می‌آید، از هرج و مرج نجات داد. واحدهای مجهز و آموزش‌دیده وی که توسط مربیان نظامی آمریکایی آموزش دیده بودند موفق شدند شبکه آذربایی و

وحشت‌افرینی شورشیان فارک را در عمل نابود کنند.

بیش از همه ثروتمندان یعنی الیت شهری کلمبیا و

البته بخشی از جمعیت روستایی و فقیر این کشور اوربیه را

یک ناجی می‌دیدند و می‌پسند. اما اوربیه در همان حال که

آشتی‌ناپذیر علیه چریک‌ها لشگر کشی می‌کرد تلاش داشت

شبه‌نظامیان راستگرا موسوم به «ای یوسی» را هم تحت

فرمان خود درآورد. این گروه با هسان «احدهای دفاع از

خود» که بیش از ۴۰ سال پیش توسط مالکان بزرگ برای

مقابله با شورشیان طرفدار اصلاحات ارضی بنیان گذاشته شد،

در دوران ریاست‌جمهوری اوربیه سه برابر بیشتر از چریک‌ها

دست به قتل و نقض حقوق بشر زدند.

«یوان سیدا» نویسنده و فعال حقوق بشر که زمانی پدرش

در کسوت کاندیدی ریاست‌جمهوری

به قتل رسید، دولت اوربیه را «یک

سیستم نقابدار که خیلی‌ها را قربانی

کرده و همزمان خود را قربانی ترور

نشان می‌دهد» عنوان می‌کند. اوربیه

در زمان اولین رقابت انتخاباتی‌اش

در عمل رقابتی خود را به سمت

شورشیان سوق داد و در اولین روز

ریاست‌جمهوریش در سال ۲۰۰۲ به

شبه‌نظامیان وعده بازگشت به زندگی

غیر نظامی و حتی وعده حضور در

پارلمان آینده را داد.

در پی آن ۳۰ هزار نفر از پیشنهاد

وی مبنی بر خلع سلاح استقبال و در

دوره‌های برنامه اجتماعی و بازپروری

دولت نام‌نویسی کردند. اما امروزه آن

موج جدید کشتارهای دسته‌جمعی و

راندن روستاییان از روستاها توسط افراد نسل دوم ای‌یوسی

و رقابت و گاه شراکت آنها با فارک برای تجارت مواد مخدر

نشان می‌دهد که آن خلع سلاح منجر به رهایی کلمبیا از این

مشکلات نشده است. بیش از همه، این سیستم اوربیه بود که

از آن خلع سلاح سود برد. پیکارجویان سابق که مشروعیت

جهان

فارک و کوکائین

میراث پدر خوانده‌های کلمبیا

کریستیان شمیت هویر

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی



«یوان سیدا» نویسنده و فعال حقوق بشر دولت اوربیه را «یک سیستم نقابدار

که خیلی‌ها را قربانی کرده و همزمان خود را قربانی ترور نشان می‌دهد»

عنوان می‌کند. اوربیه در زمان اولین رقابت انتخاباتی‌اش در عمل رقابتی خود

را به سمت شورشیان سوق داد و در اولین روز ریاست‌جمهوریش در سال

۲۰۰۲ به شبه‌نظامیان وعده بازگشت به زندگی غیر نظامی و حتی وعده

حضور در پارلمان آینده را داد.

قانونی یافته بودند، به گردهمایی‌های محلی و تجمعات حمله می‌کردند و در برخی مناطق شهرها مالیات وضع کرده و در قبال حفاظت از جان افراد پول می‌گرفتند. به این صورت اوربیه با وارد کردن شبه‌نظامیان به عرصه حافظان نظم و قانون و حاکم کردن پدرخوانده‌ها بر نهادهای مدرن موفق شد آن اتوریته از دست رفته دولت را باز پس گیرد. و این مدلی بود که وی از همان دوران جوانی و زمانی که خارج از پایتخت زندگی می‌کرد آموخته بود.

«دون فابیو اوچو» که مانند «پابلو اسکوبار» یکی از بدنام‌ترین روسای باندهای مواد مخدر کارتل مدلین به شمار می‌آمد، برای اخلاف خود دو جلد کتاب قطور به ارث گذاشته است؛ کتاب‌هایی به نام «زندگی من در دنیای اسب‌ها». در یکی از این دو کتاب که در سال ۱۹۸۸ انتشار یافته است دن فابیو به نوعی از «آلبرتو اوربیه» پدر رئیس‌جمهور سابق به عنوان یک قدیس یاد می‌کند. آلبرتو در سال ۱۹۸۳ و در جریان یکی از آدم‌ربایی‌های گروه فارک کشته شد و بسیاری بر این باورند که وی در آن زمان در جریان رقابت برای فروش مواد مخدر نقشی مهم بر عهده داشته است. دن‌فابیو در آن کتاب به حالتی پیش‌گویانه به اخلاف خود می‌گوید: «او به پسرش آلوارو نوید داد که زمانی برای ریاست‌جمهوری کاندیدا خواهد شد.» اما اوربیه بعدها سوگند خورد که رابطه او با خانواده اوچو تنها در امور مربوط به نگهداری

و فروش اسب بوده است. اما آن حقوقدان جوان در حالی که ۳۰ سال بیشتر نداشت در سال ۱۹۸۲ شهردار مقر اصلی تجارت مواد مخدر یعنی شهردار مدلین بود. در آغاز دهه ۸۰ جمعی از گله‌داران و اعضای ارتش در استان زادگاه اوربیه یعنی در آنتیکوا و همین طور گروه‌های طرفدار ای یوسی در



راندن روستاییان از روستاها توسط افراد نسل دوم ای‌یوسی و رقابت و گاه شراکت آنها با فارک برای تجارت مواد مخدر نشان می‌دهد که آن خلع سلاح منجر به رهایی کلمبیا از این مشکلات نشده است. بیش از همه، این سیستم اوربیه بود که از آن خلع سلاح سود برد. پیکارجویان سابق که مشروعیت

کوردوبا به قتل زنجیره‌ای اعضای اپوزیسیون و سندیکاها اقدام کردند. در آن زمان تعدادی از مزدوران انگلیسی و اسرائیلی

بنا به دعوت ارتش و طی قراردادی با کارتل‌های مواد مخدر وظیفه آموزش رده‌های میانی شبه‌نظامیان را بر عهده داشتند. و به این صورت بود که مدل یک ارتش کوچک دولتی و یک سیستم شبکه‌ای از نهادهای شخصی و دولتی به وجود آمد.

اوربیه بعدها می‌گفت: «تنها شبه‌نظامی که از دوران کودکی‌ام در کوردوبا می‌شناسم سال‌اتواره مانکوزو است. البته این شناخت هیچ رفاقتی را به همراه نداشت.» اما دقیقاً همین مانکوزو (که بعدها به عنوان عامل قتل‌های دسته‌جمعی شناخته شد) بود که در سال ۲۰۰۱ اولین پیمان میان اعضای دولت، سیاستمداران محلی و شبه‌نظامیان را تحت عنوان «نظم جدید برای سرزمین پدري» سازماندهی کرد. دو سال بعد و در زمان ریاست‌جمهوری اوربیه این پیمان تبدیل به تهاغمنامه خلع سلاح شد.

اما جانیسکاران خطرناک تحت رهبری گروه خلع‌سلاح شده ای‌یوسی با اطمینان از عدم مجازات به اصطلاح لب به اعتراف گشودند و نزدیکان و اقوام اوربیه را به عنوان

همکاران ای‌یوسی معرفی کردند. در حال حاضر تحقیقات بازجویی از ۸۰ نماینده پارلمان به اتهام ارتباط با شبه‌نظامیان در جریان است و این از یک‌سو نشانگر این است که امروزه دموکراسی کلمبیا بیش از همه از سوی نسل جدید حقوقدانان حفظ می‌شود و از سوی دیگر نشان می‌دهد که چرا اوربیه از نهادهای حافظ حقوق و قانون نفرت دارد. یکی از چند سازمان اطلاعاتی- امنیتی کلمبیا موسوم به «داس» تحت

فرمان رئیس‌جمهور است. این سازمان نه‌تنها لیست قربانیان حملات شبه‌نظامیان را در اختیار دارد بلکه اعضای دیوان‌عالی کشور و دادگاه قانون اساسی و دادستانی کل را نیز کنترل می‌کند. «هولمن مورس» یکی از بی‌شمار روزنامه‌نگاران مبارز در کشوری است که اصولاً جان روزنامه‌نگاران منتقد در آن کمترین ارزشی ندارد. این روزنامه‌نگار ۲۸ ساله زمانی مدیریت شبکه تلویزیونی «کونترلوا» را بر عهده داشت و از طریق آن شبکه در مورد قتل‌های سیاسی افشاگری می‌کرد و از فقر و فلاکت روستاییان پرده برمی‌داشت. شبکه کونترلوا در حال حاضر توقیف و تعطیل شده است. اوربیه و کاندیدای مورد علاقه‌اش سانتوس بارها مورس را با عباراتی چون «همدست تروریست‌ها» و «متحد فارک» مورد تحقیر قرار داده‌اند و همین عبارات به معنی فرمان قتل وی به کماندوهای مرگ ای‌یوسی است. به همین خاطر سازمان کشورهای آمریکایی از کلمبیا خواسته است برای حفظ جان این روزنامه‌نگار اقدام کند. اما نتیجه این کار جز اعمال فشار بیشتر بر مورس توسط دستگاه امنیتی اوربیه چیز دیگری نبود.

مورس و همکار تلویزیونی وی یعنی همان خبرنگار برجسته «دانیل کروئل» این روزها پیام‌های تهدیدآمیز زیادی دریافت می‌کنند. کروئل چندی پیش و پس از آنکه از طریق کانال تلویزیونی‌اش اسنادی در مورد ارتباط اوربیه با تجارت مواد مخدر منتشر ساخت چندین ای‌میل تهدیدآمیز دریافت کرد. جالب آنکه پس از رهگیری یکی از ای‌میل‌ها توسط یک متخصص کامپیوتر مشخص شد که فرستنده «کارلوس ندار» یکی از دوستان اوربیه بوده است.

اما رئیس‌جمهور سابق با انتخاب سانتوس به مقام ریاست‌جمهوری دیگر ترسی از دادگاه و مجازات ندارد و به همین خاطر بود که «خوزه اوبدولویو» یکی از مشاوران قدیمی اوربیه و خواهرزاده سلطان سابق مواد مخدر «پابلو اسکوبار» مدیریت تبلیغات انتخاباتی سانتوس را بر عهده داشت. با این حال اوربیه نفرت و هراس خود از قانون و دادگستری را پنهان نمی‌کند، زیرا سرنوشت رئیس‌جمهور سابق کشور همسایه یعنی پورو را در مقابل دیدگان خود دارد. در آوریل ۲۰۰۹ دادگاهی در پرو «آلبرتو فوجیموری» رئیس‌جمهور سابق آن کشور را به جرم نقض حقوق بشر به ۲۵ سال حبس محکوم کرد.

منبع: Die Zeit

یکشنبه ۶ تیر ۱۳۸۹

دریچه

افغانستان

پس از ژنرال مک‌کریستال

گروه بین‌الملل: برکناری ژنرال استنلی مک‌کریستال فرمانده ارشد نظامیان ناتو و آمریکا در افغانستان، چشم‌انداز آینده پیکار نیروهای بین‌المللی علیه طالبان را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا روز پنجشنبه ژنرال مک‌کریستال را برکنار و ژنرال دیوید پترائوس را به جای او منصوب کرد. این اقدام اوباما پس از آن صورت گرفت که ژنرال مک‌کریستال برای توضیح سخنان اخیرش از کابل به واشنگتن فراخوانده شده بود. ملاقات فرمانده کل قوای آمریکا و ژنرال مک‌کریستال کمتر از ۳۰ دقیقه طول کشید. این ژنرال آمریکایی در مقاله‌ای که نسخه اینترنتی آن در مجله رولینگ استون منتشر شده به انتقاد شدید، گاه تمسخر مقام‌های بلندپایه غیرنظامی می‌پرداد.

ژنرال پترائوس در حال حاضر همچنین فرمانده کل نیروهای آمریکا در خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای میانه است. او همان کسی است که مسئولیت افزایش شدید نیروها در عراق را بر عهده داشت. اوباما در سخنانی در محوطه کاخ سفید از ژنرال مک‌کریستال قدردانی کرد اما افزود جنگ از هر فردی حتی یک ژنرال یا رئیس‌جمهور فراتر است. او تأکید کرد این «تغییری در خدمه است و نه تغییری در استراتژی». رئیس‌جمهوری آمریکا گفت تصمیم برای جایگزینی آقای مک‌کریستال را «با تاسف زیاد» می‌گیرد اما افزود این ژنرال در اعمال استانداردهایی که یک ژنرال فرمانده خود باید آنها را تعیین کند، ناکام ماندو ا گفت: «من این تصمیم را نه بر اساس اختلاف بر سر سیاست‌ها با ژنرال مک‌کریستال … و نه به خاطر اینکه احساس می‌کنم به شخص من اهانت شده، می‌گیرم. او گفت رفتار فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان، کنترل غیرنظامی‌ها بر ارتش را که در کانون نظام دموکراتیک ما قرار دارد، تضعیف می‌کند.» او گفت: آنچه به نقل از ژنرال مک‌کریستال در تشریه رولینگ استون منتشر شده است، نباید از زبان ژنرالی که در حال جنگ است، گفته می‌شد. اوباما این تصمیم را بسیار مشکل خواند اما تأکید کرد برای آمریکا و استراتژی این کشور در افغانستان لازم است.

ژنرال مک‌کریستال هم در بیانیه‌ای گفت: من با قوت از استراتژی رئیس‌جمهور در افغانستان حمایت می‌کنم و عمیقاً به نیروهای ائتلافی، کشورهای همکار و مردم افغانستان متعهدم. به خاطر احترام به همین تعهد - و میل به موفقیت این ماموریت - است که استعفانامه خود



را تسلیم کردم. حامد کرزی رئیس‌جمهوری افغانستان به توجیه گفته بود مایل نیست ژنرال مک‌کریستال جایگزین شود و او را بهترین فرمانده در ۹ سال عملیات نظامی آمریکا در افغانستان خوانده بود. کرزی یک روز پیشتر در یک کنفرانس ویدئویی به آقای اوباما گفته بود کنار رفتن مک‌کریستال به روند صلح و ثبات در افغانستان کمک نخواهد کرد. یک سخنگوی کرزی پس از اعلام خبر برکناری ژنرال مک‌کریستال گفت: «ژنرال مک‌کریستال یک شریک مهم و قابل اعتماد برای دولت و مردم افغانستان است و ما امیدوار بودیم که این اتفاق نیفتد. با این حال این یک مساله داخلی برای دولت امریکاست و ما تصمیم رئیس‌جمهور اوباما را محترم می‌شمарیم.» او افزود: ما چشم انتظار همکاری با ژنرال پترائوس، که سربازی کارکشته است و رئیس‌جمهور کرزی او را خوب می‌شناسد، هستیم. دبیر کل ناتو گفت استراتژی ائتلاف نظامی غرب در افغانستان پس از جایگزینی ژنرال مک‌کریستال تغییری نمی‌کند. ژنرال مک‌کریستال فوراً به خاطر آن مقاله عذرخواهی کرده بود. او در بیانیه‌ای گفت: «من به خاطر این شرح از صمیم قلب پوزش می‌خواهم. این اشتباهی در اثر یک قضاوت سست بود و هرگز نباید اتفاق می‌افتاد. مقاله رولینگ استون که شرح‌حالی از اوست در شماره روز جمعه این مجله چاپ شد.» ژنرال مک‌کریستال در آن مقاله از جمله می‌گوید احساس می‌کند سفیر آمریکا در کابل در جریان میاحثات سال ۲۰۰۹ در کاخ سفید در مورد درخواست افزایش نیرو به او «خیانت» کرده است. فرمانده نیروهای آمریکایی همچنین در پاسخ به سوالاتی، جو بایدن معاون رئیس‌جمهوری را به تمسخر می‌گیرد. ژنرال مک‌کریستال در سال ۲۰۰۹ جای ژنرال دیوید مک‌کریان را گرفت.

پارت پولاد

تولیدکننده درب و پنجره‌های عایق یو پی وی سی با شیشه‌های دو و سه جداره یوسیله ماشین‌آلات تمام اتوماتیک آلمانی

۴۰٪ کاهش هزینه مصرف برق و گاز

عایق حرارتی

عایق صوتی

عایق حرارتی

عایق صوتی

تعویض پنجره‌های آهنی بدون نیاز به تخریب و رنگ آمیزی

تلفن: ۷۹ ۷۵ ۸۸ - ۹۸ ۳۰ ۷۵ ۸۸ - ۵۶۹ ۵۰۰ ۸۸ (۰۲۱) **فکس: ۸۸۷۵۲۱۲۸ (۰۲۱) وب سایت: www.partpoolad.com ایمیل: info@partpoolad.com**

www.bayeco.com